

فهرست مطالب

عنوان صفحه

فصل اول

مقدمه	۶
ضرورت تحقیق	۸
اهداف تحقیق	۹
پیشینه ی تحقیق	۹
روش تحقیق	۹
سوال صلی	۱۰
سوالات فرعی	۱۰
فرضیه اصلی	۱۰
فرضیه رقیب	۱۱
منابع و مأخذ	۱۱

فصل دوم: ورود اسلام به ایران

الف) ایران و اسلام در زمان پیامبر	۱۳
ب) آغاز فتوحات	۱۳
ج) وضعیت ایران پس از ورود اسلام	۱۶
د) دلایل حمله عرب به ایران	۲۰
ه) دلایل شکست ساسانیان از اعراب	۲۱

فصل سوم: اسلام و مسأله نژادی

الف) نگاه اسلام به نژادها	۲۴
ب) سیاست نژادگرایانه عمر	۲۸
ج) سیاست نژادگرایانه بنی امیه	۳۰

فصل چهارم: پیدایش و تحول شعوبیه

- ۱ - کلمه شعوبیه و وجه اشتقاق آن ۳۳
- الف) حزب عربی ۳۵
- ب) حزب مساوات ۳۶
- ج) حزب شعوبی ۳۸
- ۲- کلمه شعوبیه و موارد استعمال آن ۳۹
- ۳- کلمه شعوبیه و وجه تسمیه آن ۴۰
- ۴- تاریخ پیدایش شعوبیه ۴۲
- ۵- مظاهر جنبش ایرانیان بر ضد عرب ۴۳
- الف) نزاع ادبی ۴۳
- ب) مشاهیر شعرای شعوبیه ۴۴
- اسماعیل بن یسار نسائی ۴۴
- بشار بن برد طخارستانی ۴۸
- ابونواس حکمی ۵۳
- ابوالعتاهیه ۵۵
- ابان بن عبدالحمید لاحقی ۶۰
- عبدالاسلام بن رغبان (دیک الجن) ۶۰
- اسحاق بن حسان خریمی سغدی ۶۱
- ابراهیم بن ممشاد اصفهانی (المتوکل) ۶۴
- ابوالحسن مهیار دیلمی ۶۵
- ج) مشاهیر مؤلفان شعوبیه و آثار آنان ۶۶
- ابومحمد عبدالله بن مقفع ۶۶
- ابوعبیده معمر بن مثنی ۷۰

هیشم بن عدی.....	۷۴
ابوعثمان سعید بن حمید بختگان.....	۷۴
سهل بن هارون دشت میشانی.....	۷۴
علان شعوبی.....	۷۷
تأثیر شعوبیه بر آثار گویندگان مشهور پارسی زبان.....	۷۷
فردوسی.....	۷۸
دقیقی.....	۸۲
ناصر خسرو.....	۸۳
(د) نزاع سیاسی.....	۸۴
۶-پاره‌ای از عقاید و سخنان شعوبیه.....	۸۵
الف)دعوت شعوبیه در آغاز متکی به تعلیمات اسلام بود.....	۸۶
ب)عدم مزیت اعراب.....	۸۶
ج)عدم پذیرش افتخارات منسوب به عرب.....	۸۷
د)دین اسلام به عنوان آیین عمومی.....	۸۸
۷-برخی مجادلات شعوبیه با عرب در زمینه های گوناگون.....	۸۸

فصل پنجم : نفوذ شعوبیه در پیروان مذاهب و مذهب و فرقه سازی

الف) شیعه.....	۹۳
ب) خوارج.....	۹۵
ج) معتزله.....	۹۷
د) شعوبیه و زندقه.....	۹۸

فصل ششم: مشاهیر مخالفان شعوبیه و آثار آنان

۱- ابن قتیبہی دینوری.....	۱۰۵
پاره‌ای از سخنان ابن قتیبہ در رد شعوبیه.....	۱۰۷

فضایل عرب از نظر ابن قتیبه.....	۱۱۰
۲- عمر و بن بحر جاحظ.....	۱۱۲
شعوبیه از نظر جاحظ.....	۱۱۴
۳- عبدالملک اصمعی.....	۱۱۵
۴- متنبی، شاعر مشهور.....	۱۱۷
۵- جلاله زمخشری.....	۱۱۸

فصل هفتم: تأثیر شعوبیه بر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی

الف) مقابله شعوبیه در جعل روایت با عرب.....	۱۲۰
ب) مقابله اعراب با شعوبیه در جعل روایت.....	۱۲۵
تأثیر عقاید شعوبیه در آثار نویسندگان و مورخین ایرانی.....	۱۲۸
الف) انتساب برخی خصایص خوب به ایرانیان.....	۱۲۹
ب) بزرگ‌نمایی پادشاهان ایرانی و قداست پادشاهان ساسانی.....	۱۲۹
ج) سیاه‌نمایی عرب و تحقیر زندگی او.....	۱۴۰
د) سیاه‌نمایی حمله عرب به ایران.....	۱۴۲
ه) اغراق در امر کشتار به هنگام فتوحات.....	۱۴۷
ث) بزرگ‌نمایی سپاه ایرانیان.....	۱۴۸
ت) ارتباط شکست ایرانیان به قضا و قدر و افسانه‌ها.....	۱۴۸
ر) نقش ایرانیان در جنبش مختار.....	۱۵۰
ز) بزرگ‌نمایی نقش ابومسلم در به قدرت رسیدن عباسیان.....	۱۵۰
ژ) تصویر بسیار منفی از بنی‌امیه.....	۱۵۲
ذ) ارائه چهره منفی از امین و خردمندان از مأمون.....	۱۵۲
و) اشاره به نقش خاندان‌های فضل و برمک در خاندان عباسی.....	۱۵۳

صفحه	عنوان
۱۵۵	نتیجه گیری
۱۵۶	فهرست منابع
۱۶۴	چکیده انگلیسی

مقدمه

پس از انقراض سلسله‌ی ساسانیان، ایرانیان به کیش اسلام درآمدند. آنان دلخوش بودند که با قبول دین اسلام، با اعراب فاتح مساوی و برابر می‌شوند و برابر موازین اسلامی، کسی بر دیگری فضیلت و برتری ندارد. مگر از نظر پرهیزکاری و پارسایی. اسلام تمام امتیازات نفاق انگیز و طبقه‌بندی‌های خانمان سوز را برانداخت و عموم مسلمانان را به مساوات و برادری دعوت کرد. در عصر خلفای راشدین تا حدودی اصول و موازین اسلامی به موقع اجرا گذاشته می‌شد و مسلمانان از هر طایفه و قومی با یکدیگر مساوی و برابر بودند.

با خلافت معاویه، دستگاه ساده و بی‌پیرایه خلافت اسلامی رنگ دیگر گرفت و نتیجه آن شد که برای تامین خوشگذرانی‌های خلفا و عمال و حکام بنی‌امیه در اخذ مالیات اجحاف و تعدی بسیار روا داشتند و اهل ذمه و مسلمانان غیرعرب و موالی را در شکنجه و فشار قرار دادند. به هر حال عده‌ای از ایرانیان که سیادت خود را از دست رفته دیدند و مشاهده کردند که اساس دین مبین اسلام، با روی کار آمدن امویان و مروانیان به هم ریخته و احکام اسلام به هیچ وجه مورد نظر و توجه اینان نیست چون راه را بسته دیدند، با توسل به خود دین اسلام و با استناد به آیات قرآن و احادیث-مبنی بر مساوات و برابری مسلمانان از هر طایفه و قوم- گفتند که اساس کیش اسلام، مبنی بر مساوات است و عرب و عجم یکسانند و کسی را بر دیگری فضیلت نیست. از این رو نخست آنان را «اهل تسویه» یعنی طرفداران مساوات خواندند. اصطلاح شعوبیه و اطلاق این لفظ در عصر اموی بر اهل تسویه معمول نبود. فعالیت‌های پنهانی اهل تسویه از اواخر عهد اموی آغاز شد و جنبش و نهضت سیاسی ایرانیان و قیام ابومسلم خراسانی نیز در اواخر دوره ی اموی به صورت آشکار درآمد. سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن دولت بنی‌عباس و اینکه ایرانیان اساس این دولت را پی‌ریزی کرده بودند؛ اهل تسویه را وادار به مفاخرت به اصل و نژاد و نسب خود کرد و لفظ شعوبیه رسماً در اوایل عهد عباسی معمول و رایج شد. و عده بسیاری از موالی از هر قوم و ملتی به این فرقه پیوستند و اکثریت را ایرانیان تشکیل دادند و

رهبری آنرا بر عهده گرفتند. چندی بعد شعوبیان که زمینه را برای توسعه ی نهضت خود مساعد دیدند، ضمن یادآوری تاریخ باستانی و مظاهر تمدنی و فرهنگ کهن ایران، با دلایلی که اقامه کردند خود را برتر و بالاتر از عرب دانستند و گفتند: اعراب هیچ مزیت و فضیلتی ندارند و هر قوم و ملتی بر عرب ترجیح دارد. شعوبیه برای اثبات فضیلت خود به آیه ی «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا، ان اکرمکم عندالله اتقیکم» استناد کردند. تقدم شعوب که بر مسلمانان غیرعرب اطلاق کردند بر قبائل که آن را مخصوص اعراب دانسته را دلیل برتری مسلمانان غیر عرب دانستند. (اهل التفضیل). این موالی که در طی دوران حکومت بنی امیه متحمل خواریها و پستیها و شکنجهها شده بودند و حتی در لشکرکشیها از سواری منع شده از غنائم جنگی هم بهره ای نداشتند، در عصر عباسی با کمک رجال و وزیران ایران به فعالیتها و جنبشهای سیاسی و ادبی پرداختند. چنانچه بشاربن برد طخارستانی پیشوای نهضت ادبی شعوبیه در قرن ۲ هجری قصاید و اشعار بسیاری در مدح ایرانیان و تفضیل عجم بر عرب سرود. پس از او شاعران دیگر در تحقیر عرب و تفاخر به نسب و عزت ایرانیان کوشیدند. گذشته از شاعران شعوبی، مولفان و نویسندگان مشهور ایرانی در فضیلت عجم به تدوین و تالیف کتابها و رسالهها پرداختند.

تألیفات شعوبیه بر اثر تعصب عربی و اینکه آن را از آثار کفر و الحاد معرفی کردند، از میان رفت و نابود شد. آنچه امروز از عقاید شعوبیه افکار و سخنان آن فرقه نقل می شود مختصری است که جسته و گریخته در بعضی از کتب متقدمین چون کتاب البیان و التبین (جاحظ بصری) العقدالفرید (ابن عبدربه)، تفضیل العرب (ابن قتیبه دینوری)، الاغانی (ابوالفرج اصفهانی)، الفهرست محمد بن اسحاق وراق بغدادی (ابن ندیم) مروج الذهب (مسعودی) و خطط (مقریزی) دیده می شود. مسلک شعوبیه تاثیر بزرگی در اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر عباسیان گذاشت و به تاسیس حکومتهای مستقل ایرانی چون صفاریان، سامانیان، دیلمیان و زیاریان منجر شد. همچنان که این نهضت علل و اسبابی داشته است، تاثیرات بسیاری در حوزههای گوناگون دیگر نیز داشته است.

عرب برای فضیلت نژادی خویش و تحقیر سایر اقوام و ملل به هر وسیله از جمله جعل روایات و احادیث نیز دست زد، که لطمه ی زیادی به اخبار دینی و تاریخی و ادبی زد و اطمینان

را از مسلمانان سلب کرد. طرفداران عرب که احياناً جزء ناقلان اخبار بودند و وجهه‌ای در میان مسلمانان داشتند، از اینگونه روایات در هر موضوعی جعل کردند. شعوبیه هم به مقابله با آن‌ها برخاستند. شعوبیه در جعل حدیث و خلق روایت تسلط داشتند، بدین سبب احادیث بسیاری در فضیلت ایرانیان جعل و به اشخاص موثق از اصحاب و تابعین مستند کردند. شعوبیه گاهی داستانی ساخته و آن داستان را داخل تاریخ می‌کردند، به طوری که تشخیص مطالب اصلی و جعل کار دشواری بود. در مقابل احادیث ساختگی، احادیثی که دلالت بر فضیلت عجم بر عرب می‌کرد جعل می‌کردند.

شعوبیه در تمام امور و همه شعب علوم و فنون و معارف اسلامی دست داشتند و در هر قسمت آثار بسیاری از عقاید باطنی خود باقی گذارده‌اند. آنان پس از طی نهضت سیاسی و موفقیت در سرنوشتی امویان دوباره نهضت ادبی خود را ادامه دادند و تدریجاً کار به همان تألیف و تصنیف کتب و رسائل کشید و کتاب‌ها در مفاخر عجم و مثالب عرب نوشتند. این مناظرات و مجاهدت باعث ایجاد یک نهضت مهم علمی و ادبی و فکری در فرق اسلام گردید. اما یک نتیجه‌ی عجیب پیدا کرد که هنوز فکر محقق عمیق را به حیرت می‌اندازد و آن عبارت از سلب اطمینان به قسمت مهمی از آثار تاریخی و ادبی و دینی است.

ضرورت تحقیق:

ضرورت این تحقیق ناظر بر جنبه‌های کاربردی آن است که می‌تواند در مجامع علمی و دانشگاهی مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد. پژوهشگر در صدد است که با بهره‌گیری صحیح از منابع به شناخت کامل و صحیحی از روح حاکم بر روایات تاریخی در منابع دست‌یازد و سپس در ادامه به تأثیری که این نهضت بر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی داشته است، بپردازد.

اهداف تحقیق:

هدف مستقیم پژوهشگر پاسخ به سوال اصلی است که آیا نهضت شعوبیه بر تاریخ نگاری ایرانی و اسلامی تأثیر داشته است و این تأثیر گذاری چگونه و تا چه حدی بوده است؟ در کنار این هدف مستقیم می توان هدف غیر مستقیم و بلند مدتی را در نظر گرفت و آن این که در پرتو پاسخ به سوال اصلی بتوان به سوالاتی از نوع سوال اصلی در نقد منابع تاریخی گوناگون پاسخ داد.

پیشینه ی تحقیق:

سابقه پژوهش در این موضوع گسترده و قابل توجه نیست، اما مطالعات و منابعی در این زمینه وجود دارد که بر اساس آن می توان تا حدودی به این موضوع نزدیک شد. از جمله منابعی که با نوعی نگاه جانبدارانه به سیادت عرب و ذم عجم نگاشته شده است می توان به *الشعر و الشعرا* و *تفضیل العرب* ابن قتیبه دینوری اشاره کرد. در مطالعات جدید هم کارهایی انجام پذیرفته است مانند: *پرتو اسلام* احمد امین، *نهضت شعوبیه* جلال الدین همایی و *نهضت شعوبیه* حسینعلی ممتحن، *اسلام در ایران* محمود افتخار زاده. لذا این پژوهش ضمن استفاده از دستاوردهای همه ی پژوهش های پیشین، می کوشد با اتکا به منابع اولیه، تمام ابعاد موضوع را مورد بررسی قرار داده و دریچه تازه و حتی المقذور بی طرفانه ای به موضوع بگشاید.

روش تحقیق:

این تحقیق کتابخانه ای است، روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی خواهد بود. یعنی

پژوهشگر می‌کوشد ابتدا موضوع مورد بحث را توصیف و تشریح و سرانجام تأثیر نهضت شعوبیه بر تاریخنگاری ایرانی و اسلامی را تحلیل کند. بدیهی است که روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش عمدتاً کتابخانه‌ای می‌باشد.

سوال اصلی :

آیا نهضت شعوبیه بر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی تأثیر داشته است؟

سوالات فرعی:

- ۱- نهضت شعوبیه در چه بستری به وجود آمد؟
- ۲- نهضت شعوبیه به طور کلی چه اهدافی را دنبال می‌کرد؟
- ۳- حوزه‌های عملی و تأثیر گذار شعوبیه کدام بوده است؟
- ۴- شعوبیان در حوزه تاریخ‌نگاری چه اهدافی را دنبال می‌کردند؟
- ۵- تأثیر گذاری شعوبیه بر تاریخ‌نگاری چگونه بوده و چه آثاری را در پی داشت؟

فرضیه اصلی:

نهضت شعوبیه تأثیر بسیار عمده‌ای در گسترش روایات جعلی در تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی داشت.

فرضیه رقیب:

نهضت شعوبیه در تاریخ نگاری ایرانی و اسلامی تأثیر عمده ای نگذاشت.

منابع و مأخذ

منابع در این تحقیق شامل منابع تاریخی و مطالعات جدید می گردد. منابع تاریخی شامل:

- *الشعر و الشعرا و تفضیل العرب* ابن قتیبہ دینوری از جمله منابعی است که با نوعی نگاه جانبدارانه به سیادت عرب و ذم عجم نگاشته شده است. *الاعانی* نوشته ابوالفرج اصفهانی - *العقد الفرید* ابن عبدربه - *تاریخ طبری* نوشته محمد بن جریر طبری این کتاب با توجه به این که در مورد حوادث ایران قبل از اسلام و پس از اسلام است مورد بررسی قرار گرفته است که آیا تحت تأثیر شعوبیه قرار گرفته است یا خیر - *تاریخ یعقوبی* نوشته ابن واضح یعقوبی این کتاب نیز دربرگیرنده تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام است و به همین دلیل مورد بررسی ما قرار گرفته است. - *اخبار الطوال* نوشته دینوری این کتاب که تاریخ عمومی است به حوادث ایران نیز می پردازد به همین دلیل مورد استفاده ما قرار گرفته است. - *مروج الذهب* نوشته مسعودی که تاریخ ایران از ابتدا تا دوران حکومت عباسیان را شامل می شود به همین دلیل مانند دیگر کتب مورد استفاده قرار گرفته است - *فتوح البلدان* نوشته بلاذری که شامل چگونگی ورود اسلام توسط مجاهدین به ایران می شود.

مطالعات جدید

در مطالعات جدید هم کارهایی انجام پذیرفته است مانند: پرتو اسلام احمد امین، نهضت شعوبیه جلال الدین همایی و نهضت شعوبیه حسینعلی ممتحن، اسلام در ایران محمود افتخار زاده. لذا این پژوهش ضمن استفاده از دستاوردهای همه ی پژوهش های پیشین، می کوشد با اتکا به منابع اولیه، تمام ابعاد موضوع را مورد بررسی قرار داده و دریچه تازه و حتی المقدور بی طرفانه ای به موضوع بگشاید.

در تحقیق حاضر چگونگی تاثیر شعوبیه بر تاریخ نگاری ایرانی و اسلامی بررسی خواهد شد. نگارنده در فصل دوم چگونگی ورود اسلام به ایران و در فصل سوم نگاه اسلام به نژادها و سیاست نژادگرایانه عمر و بنی امیه را بررسی می کند و پس از این مقدمه در فصل چهارم به بررسی شعوبیه، معانی آن، زمان پیدایش آن و همچنین جنبه های آن اعم از ادبی، سیاسی خواهد پرداخت و سپس پاره ای از عقاید شعوبیه را بررسی می کند و در فصل پنجم روابط آن ها با فرق دیگر را بررسی می کند و در فصل ششم مشاهیر مخالفان شعوبیه و آثار آن را مورد بررسی قرار خواهد داد و در فصل آخر وارد مبحث تاریخ نگاری خواهد شد و مقابله شعوبیه و عرب در جعل روایت و تأثیر عقاید شعوبیه در آثار نویسندگان مشهور پارسی زبان را بررسی خواهد کرد.

ایران و اسلام در زمان پیامبر(ص)

قبل از حمله نظامی اعراب به ایران طی چند رخداد تاریخی ایرانیان با اسلام آشنا شده بودند. در زمان پیامبر ایشان پس از هجرت در سال هفتم و به دنبال صلح حدیبیه نامه‌هایی به سران کشورهای جهان نوشتند و آنها را به دین اسلام دعوت کردند. یکی از آن نامه‌ها به خسرو پرویز پادشاه ایران بود و او را به اسلام دعوت کرد ولی خسرو پرویز تنها کسی بود که نسبت به نامه پیامبر اهانت کرد و آن را پاره کرد. (یعقوبی، ۱۳۷۳، ۴۳ و بلاذری، ۱۳۶۷، ۲۵۸). همچنین در زمان پیامبر اکرم، در اثر تبلیغات اسلامی عده زیادی از مردم بحرین که در آن روز محل سکونت ایرانیان مجوس و غیرمجوس بود (در سال ۸ هجری) به آیین مسلمانی در آمدند و حتی حاکم آن جا که از طرف پادشاه ایران تعیین شده بود مسلمان شد. (نفیسی، ۱۳۸۴، ۱۰۳) اولین اسلام ایرانیان به صورت گروهی در یمن و بحرین بوده است. عده زیادی از ایرانیان در یمن زندگی می‌کردند و حکومت یمن یک حکومت صد در صد دست‌نشانده‌ی ایرانی بود. البته از نظر فردی اولین فرد مسلمان ایرانی سلمان فارسی بوده است و چنانچه می‌دانیم اسلام این ایرانی آن قدر بالا گرفت که به شرف «سلمان منا اهل البیت» نائل شد. (ابن هشام، ۱۳۶۴، ۱۳۶)

همین مقدار سابقه‌ی آشنایی ایرانیان با اسلام در زمان پیامبر (ص) کافی بود که بسیاری از آنان با حقایق اسلامی آشنا شوند و طبعاً این خبر به ایران رسید و مردم با اسلام آشنا شدند تا آن که در زمان ابوبکر و عمر یک سلسله جنگ‌هایی به وقوع پیوست و عده‌ی زیادی از ایرانیان به اسلام گرویدند.

آغاز فتوحات

پیش از این آشنایی ایرانیان با اسلام و مقارن ظهور اسلام در سال‌های (۶۰۹-۶۱۱) دسته‌ای

از عرب‌ها سپاه ایران را در ذی قار شکست دادند (نفیسی، ۱۳۸۴، ۱۰۴) و آن را برای خود افتخار شایانی دانستند (امین، ۱۳۱۵، ۳۴) هر چند این واقعه شکست‌پذیری ایرانیان را به عرب‌ها نشان می‌داد ولی باعث از بین رفتن کامل وحشت عرب‌ها از ایرانیان و نادیده گرفتن قدرت آن‌ها نشد. در همین واقعه ما نیز دلیلی بر عدم ملیت عرب داریم زیرا در جنگ ذی قار نام عرب برده نشد بلکه فقط قبایلی را که در آن نبرد شرکت جستند مانند شیبانی، عجلی و ... نام بردند. (همان) طبری می‌گوید: جنگ با ایران برای مسلمین سخت‌ترین جنگ‌ها بود زیرا از عظمت و نیرو و شوکت ایرانیان می‌هراسیدند. قبل از اسلام عرب دارای شعور ملی نبود اما با طلوع اسلام عرب به صورت ملت شد و اسلام موجبات تشکیل یک ملت را کاملاً دارا بود. یک دین، زبان و یک نحو حکومت ایجاد کرد و پس از آن موجبات پیروزی نسبت به ملت بزرگ ایران حاصل آمد. اما با وجود این تعصب برای قبیله از بین نرفته بود چنانکه مسعودی در مروج الذهب می‌نویسد: در اشعار کمیت میان یمانیها و نزاریها منتشر شد نزار بر اهالی یمن افتخار می‌کرد و یمانیان بر نزار مباحثات می‌کردند هر یک از آن دو دسته مناقب خود را می‌شمردند. مردم هم دو دسته شدند و هر یکی برای یک فرقه تعصب می‌نمودند فتنه میان شهرنشینان و بیابان نوردان برخاست تا اینکه یمانیها به عباسیان پیوستند، این تعصب در همه جا بود. (امین، ۱۳۱۵، ۳۸)

اعراب اسلام را پذیرفتند و جهاد هم آغاز شد و آن‌ها توانستند بر ایران و روم غلبه کنند و سیادت عالم را در دست بگیرند، ایرانیان را زیر فرمان آوردند و باعث شد عرب تصور کند که خون آن‌ها یک نژاد ممتاز و دارای خون دیگری است که از خون ایرانی و رومی پاک‌تر است. چون سیادت و برتری و عظمت یافتند به ملل دیگر به تحقیر نگریسته و آن‌ها را بنده و زیردست می‌دانستند. (همان، ۳۸)

استیلای تازیان بر ایران تابع نقشه‌ی معینی نبود که از پیش آن را تهیه دیده و وسایل اجرای آن را فراهم کرده باشند. بلکه نخست به صورت تاخت و تازهای سرحدی و دستبردهایی داشت که بیشتر برای تاراج می‌زدند (ثعالبی، ۱۳۷۸، ۳۳۸) و چون تازیان در برابر خود مقاومت سختی نمی‌دیدند هر بار دلیرتر شده و پیشتر می‌رفتند و عده‌ی خود را افزودند. نخستین لشکری که برای حمله به ایران آماده کردند عده‌ی کمی بود که از ۲۵۰۰ تن تجاوز نمی‌کرد (طبری، ۱۳۷۵، ۴۱۳) در میان این قبایل مکربن وائل مثنی بن حارثه شیبانی به واسطه حملاتی که پی در پی به خاک ایران برده و دستبردهایی که به این نواحی زده بود معروف شده بود و در

این کار آزمودگی داشت و از ابوبکر خواست که فرماندهی لشکریانی را که برای حمله به خاک ایران آماده کرده بود به او بدهد ابوبکر پذیرفت و خالد بن ولید را فرستاد که نماینده وی در میان این لشکریان باشد. (نفیسی، ۱۳۸۴، ۵-۱۰۴)

پس از حمله اعراب به ایران یک سلسله جنگ‌هایی بین ایران و مسلمانان عرب به وقوع پیوست، مهم ترین این نبردها عبارت بودند از نبرد سلاسل در آغاز خلافت عمر که اوضاع ایران بسیار آشفته بود و اعراب بر ایرانیان پیروز شدند. نبرد یوم الحبسر که فرماندهی لشکریان ایران را قوم قارن بر عهده داشت اما عرب‌ها به رهبری خالد بر ایرانیان پیروز شدند، جنگ مهران در زمان عمر که ایرانیان شکست خوردند، نبرد بصره که پس از جنگ دیگر مانعی در پیش روی تازیان نبود و تمام سرزمین عراق را گرفتند (طبری، ۱۳۷۵، ۲۲۷، آغاز سال ۱۴ هجری).

جنگ قادسیه، نبرد جلولا و ... و جنگ نهاوند مهم ترین جنگ بزرگی است که میان لشکریان ایران و تازیان در گرفته است. فرمانده جنگ نعمان بن مقرن کوفی بود که چون کشته شد خدیقه بن الیمان جای او را گرفت. تاریخ ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ سال هجری را برای این جنگ نوشته‌اند. جنگ نهاوند آخرین جنگی است که سپاهیان یزدگرد سوم با تازیان کرده و در میدان جنگ با آن‌ها روبرو شده است. پس از پیروزی اعراب مسلمان در نهاوند دیگر شاهد نبردهای منظم میان ارتش ساسانیان و سپاه مسلمانان نیستیم. پایداری بدان سان که در قادسیه و نهاوند دیده شد در سایر نقاط از جمله خراسان تکرار شد مانند شورش قارن در خراسان (طبری، ۱۳۷۵، ۴۶۸) یا مقاومت ماهک بن شاهک در اصطخر (ابن اعثم، ۱۳۷۴، ۳۳۷). با نابودی سپاه ساسانیان مقاومت یکپارچه از میان رفت و مقاومت‌های بیهوده‌ای علیه اعراب در برخی نقاط ترتیب داده شد که ذکر آن در بالا آمد. در سال ۶۴۰ و به قولی ۶۴۱ یا ۶۴۲ (م) (۲۱ یا ۲۲ ق) دولت ساسانیان بعد از ۴۰۰ سال در نتیجه‌ی جنگ نهاوند که عرب‌ها آن را فتح‌الفتوح نامیدند منقرض گردید. (شفق، ۱۳۸۱، ۳۷) در واقع می‌توان گفت پس از مرگ یزدگرد در سال (۶۵۱ م) (۳۱ هـ. ق) استقلال ایران عملاً پایان یافت ولی مردم ایران یکباره تسلیم نشدند. طبرستان، دیلم، گیلان مقاومت کرد و نواحی کوهستانی به دست اعراب نیفتاد. (راوندی، ۱۳۵۴، ۱۱۳)

وضعیت ایران پس از ورود اسلام

با استیلای تازیان بر ایران دوره تاریخ قدیم ایران پایان یافت و فصلی تازه در تاریخ ایران آغاز گشت: دوره‌ی بعد از اسلام. این دوره با غلبه‌ی عرب و انتشار اسلام شروع می‌شود. (زرین کوب، ۱۳۶۴، ۱۹۹ و ۱۵۸) در واقع تاریخ ایران بعد از اسلام از فتح مدائن بدست اعراب آغاز می‌شود که در دنباله‌ی آن دولت عظیم ساسانی انقراض یافت و سراسر ایران به دست اعراب افتاد. این حادثه عظیم سر فصل تاریخ جدید ایران و پایان عهد باستان آن به شمار می‌رود (همان، ۱۵۸). به هر ترتیبی که بود اسلام وارد ایران شد و مردم ایران به تدریج به این دین مقدس گرویدند اما حال این سوال مطرح می‌گردد که آیا پیشرفت اسلام در ایران به خاطر محتوای عالی و انسانی و جهانی آن بوده است و ایرانیان آن را انتخاب کرده‌اند، یا آیین مزبور بر خلاف تمایلات مردم ایران به آن‌ها تحمیل شده است؟

دین مقدس اسلام از همان آغاز ظهور مورد علاقه‌ی ایرانیان واقع شد قبل از اینکه توسط مجاهدین وارد ایران شود، ایرانیان مقیم یمن با میل و رغبت این دین را پذیرا شدند. (مطهری، ۱۳۶۲، ۶۱). ادوارد براون در جلد اول تاریخ ادبیات ایران می‌گوید: این مسئله (آیا اسلام با زور به ایران تحمیل شده یا ایرانیان به رغبت اسلام را پذیرفتند) را پرفسور آرنولد استاد دارالفنون علی‌گه در کتاب نفیس خود درباره تعلیمات اسلام به وجه بسیار خوبی ثابت کرده است. او به موبدان بی‌گذشت اشاره می‌کند و می‌گوید: موبدان نه تنها نسبت به علمای سایر ادیان بلکه در برابر کلیه‌ی فرق مخالف ایران و مزدکیان و مانویان تعصب نشان می‌دادند و بدین سبب مورد بی‌مهری و نفرت جماعات زیادی قرار گرفته بودند. او سپس به سخنان خود چنین ادامه می‌دهد: ... و مسلم است که قسمت اعظم کسانی که تغییر مذهب دادند به طیب خاطر و اختیار و اراده‌ی خودشان بود. (براون، ۱۳۵۵، ۲۹۹) پیزی در کتاب تاریخ شعر ایران می‌گوید: قبول اسلام برای ایرانی‌ها آسان بود زیرا کافی بود که به جای «هرمزد» کلمه‌ی مقدس «الله» و به جای اهریمن، «شیطان» و به جای زرتشت، ابراهیم خلیل الله بگویند.

صاحب الزمانی در کتاب دیباچه‌ای بر رهبری می‌گوید: توده‌های مردم نه تنها در خود در برابر جاذبه‌های جهان‌بینی و ایدئولوژی ضد تبعیض طبقاتی اسلام مقاومتی احساس نمی‌کردند بلکه درست در آرمان آن همان چیزی را می‌یافتند که قرن‌ها مشتاق آن بودند. اسلام در ایران نفوذ آرام و تدریجی داشت و هر چه می‌گذشت علاقه ایرانیان به اسلام افزوده می‌شد (مطهری، ۱۳۶۲، ۸۲).

مطهری معتقد است که با وجود اینکه ایرانیان نیروی انتظامی عظیمی به وجود آوردند، دستگاه خلافت اموی مورد بی‌مهری مسلمانان قرار گرفت و توانستند خلافت را از خاندان اموی به خاندان عباسی منتقل کنند. در این شرایط می‌توانستند آیین خود را تغییر دهند و به آیین کهن خود برگردند. اما آن‌ها به فکر استقلال سیاسی افتادند نه به فکر ترک آیین اسلام و اغلب ایرانیان در دوره‌ی استقلال سیاسی ایران مسلمان شده‌اند. (همان، ۸۴) و مخصوصاً در دوره‌های استقلال خود بر کیش زرتشتی غلبه کرده است.

ادوارد براون از دوزی «مستشرق هلندی در کتاب اسلام» نقل می‌کند که مهم‌ترین قومی که تغییر مذهب دادند ایرانیان بودند، زیرا اسلام را نیرومند و استقرار نمودند، نه عرب و از میان آن‌ها بود که جالب‌ترین فرق اسلامی برخاسته است.

همین حقیقت است که پیامبر فرمود: به خدا قسم من روزی را می‌بینم که همین ایرانیان که شما برای اسلام با آنان می‌جنگید با شما بجنگند تا شما را مسلمان کنند. (مطهری، ۱۳۶۲، ۱۰۵-۱۰۴) به غیر احرار و صحابه مانند سلمان که در جریان فتوحات مسلمان بودند بقیه ایرانیان در جریان فتوحات و تهاجمات اعراب مسلمان که طیف گسترده‌ای از مسلمان نا آشنا به اسلام و صحابه پیامبر (ص) را تشکیل می‌دادند، اسلام را در ظرف رفتار گروه مهاجم غالب دیدند (راوندی، ۱۳۵۴، ۲۲۲).

ایرانیان در آغاز با وجود مشکلاتی که از تازیان دیده بودند آنان را به عنوان مهاجر به گرمی پذیرا نمی‌شدند در مقابل عرب‌ها می‌پنداشتند که مسئولیت بزرگی به عهده دارند و آن ترتیب عجم‌ها و نجاتشان از آتش جهنم و عذاب آخرت است و در مقابل شکایت موالی از بدرفتاری‌های عرب‌ها و اوضاع و احوال بدشان، اعراب آنان را سرزنش می‌کردند که: شگفتا از قومی که با زنجیرها به سوی بهشت کشیده می‌شوند و باز شکایت دارند. (ابن عبدربه، ۱۹۸۳، ۴۱۳). اعراب

در ورود به ایران با مخالفت‌هایی روبرو بودند چرا که باید تصور ایرانیان از عرب‌ها از قول خسرو پرویز گفت که اعراب را نه در کار دین هیچ خصلت نیکو یافتیم و نه در کار دنیا، آن‌ها را نه صاحب عزم و تدبیر دیدم و نه اهل قوت و قدرت. فرزندان خود را از راه بینوایی و نیازمندی می‌کشند و یکدیگر را بر اثر گرسنگی و درماندگی می‌خورند (ابن عبدربه، ۱۹۸۳، ۳۱۴). طبعاً کسانی که درباره عرب اینگونه فکر می‌کردند نمی‌توانستند زیر بار تسلط آن‌ها بروند. به خصوص که استیلای عرب با غارت و خونریزی همراه بود. (حقیقت، ۱۳۸۴، ۱۳۵). اما با این وجود سیل مهاجرت‌ها فروکش نکرد و با ایجاد وابستگی سریع با اعیان نواحی گوناگون از صورت رسمی به در آمده و با آن‌ها مناسبات دوستانه برقرار کردند. ازدواج میان ساکنان محلی و نورسیدگان سبب پیدایش علایق تازه‌ای میان آن‌ها گردید. فرزندانی که حاصل این ازدواج‌ها بودند طبقه‌ی جدیدی پدید آوردند که افزایش تعداد آن‌ها از اسباب فرید قدرت و عدت این مهاجران گردید (فرای، ۱۳۶۳، ۳۱).

اشپولر مدعی است اسباب موجباتی که سبب می‌شد توده‌های عظیمی از سکنه تا این اندازه بالنسبه زود از آیین زرتشتی و مسیحی صرف نظر کنند، فقط به وسیله‌ی حدس ممکن است دریافت شود، فقدان آثار مربوط به مجادلات دینی واقعی بین اسلام و ادیان دیگر به طور شگفت‌انگیزی مشهود است. فقدان این آثار این استنباط را تقویت می‌کند که گرایش به دین تازه فقط تا حد بسیار محدود و دارای جنبه‌ی دینی مختصری بوده است و محرک و اسباب عمده ناشی از جنبه‌های اقتصادی بوده است و از میل به فرار از مالیات‌های سنگین و تضییقات گوناگون و ... عامل موثر دیگر سادگی نسبی اعتقاد اسلامی بوده است. (اشپولر، ۱۳۶۴، ۸۰-۷۹) البته می‌توان گفت اشپولر به بسیاری جنبه‌های دیگر توجه نکرده است و دیگر عوامل را در پذیرش اسلام از سوی ایرانیان نادیده می‌گیرد.

براون در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد: پذیرش اسلام به طور تدریجی از سوی ایرانیان روشن است و ایرانیان از روح تحمل و گذشت فاتحین بهرمنند بودند. (براون، ۱۳۵۵، ۳۰۷)

ریچارد فرای می‌گوید گرایش به اسلام بیشتر جنبه سیاسی و نظامی داشت. گویا بیشتر عربان و فارسیان گرویدن به اسلام را از این نظرها می‌دیدند. (فرای، ۱۳۶۳، ۷۸)

اشپولر نیز در جای دیدی مدعی است که زور و فشار مستقیم برای اسلام آوردن اقوام مختلف بیش از آن حد به عمل می‌آمد که منابع اسلامی بر آن اقرار دارند. چنانکه نقش سکه

امویان و سکه‌های آغاز عباسیان بر یک تبلیغ آگاهانه ای به نفع اسلام دلالت می‌کند و این نقش عبارت از آیه‌ی ۱۳۳ از سوره توبه است. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی‌الدین کله و لو کره المشرکون» قسمت «ولو کره المشرکون» در بعضی از سکه‌ها حذف شده یعنی اصلاً درج نگشته است. ولی به طور یقین فشار غیرمستقیم برای اسلام آوردن ایرانیان مثلاً پس از سرکوب کردن جنبش‌های مذهبی در خراسان در نیمه‌ی دوم قرن هشتم میلادی (برابر قرن ۲ هجری) بسیار زیاد بوده است.

به هر ترتیب می‌توان چنین ادعا کرد که هر چند در زمان ابوبکر حملات نظامی به هر دلیلی به ایران آغاز شد و در ابتدا مردم چندان روی خوش به عرب‌ها نشان ندادند اما می‌توان دریافت که پس از آن به طور تدریجی ایرانیان اسلام را پذیرفتند و به اندازه‌ای که در دویست و پنجاه سال از آغاز دوره‌ی اسلامی در سراسر قلمرو اسلام و مخصوصاً در ایران طریقه‌ها و مسلک‌های گوناگون چه براساس آیین اسلام و چه براساس ادیان دیگر پیدا شده است در هیچ دوره‌ای از تاریخ جهان دیده نمی‌شود این امر خود می‌رساند که چه غلیانی در میان مردم بوده است و چگونه آیین‌های مختلف را نمی‌پسندیده‌اند و می‌کوشیده‌اند به آیین دیگری پناه ببرند. پیداست که هیچ یک از این مذاهب نمی‌توانسته است آرزوهای مردم را برآورد. همچنین خود حکومت‌های مستقل ایرانی که از لحاظ سیاسی دشمن حکومت عربی بودند. بیش از حکومت‌های عربی پاسدار اسلام و موید و مروج علمای اسلام بودند. (مطهری، ۱۳۶۲، ۸۸). ایرانیان تازه مسلمان در بارور کردن فرهنگ و علوم انسانی نقش اساسی ایفا کردند و با تعصب در دین جدید در بسیاری زمینه‌ها از اعراب جلو افتادند. آنان به عنوان حلقه‌ای واسطه، در تفکیک اسلام و سازگار کردن اندیشه‌های ایرانی و اسلامی و ارتقا و اعتلای آن نقش مهمی ایفا کردند و گذشته‌ی باستانی را با دین جدید پیوند زدند و در سایه دیدگاه غیرطبقاتی اسلام و خارج شدن علم از انحصار طبقه‌ای معین، در قرون بعدی پیشاهنگان فرهنگ اسلامی شدند و نبوغ خویش اسلام را از چهار چوب مذهبی، ملی و عربی بیرون آورد و صبغه‌ی جهانی بخشید (اشپولر، ۱۳۶۴، ۲۳۹).

پس می‌توان گفت ایرانیان بعد از هجوم عرب با توجه به ویژگی‌های دین اسلام به تدریج اسلام را پذیرفتند و خود از پاسداران این دین گشتند تا جایی که تعصب آن‌ها نسبت به اسلام از عرب بیشتر شد.

سوال دیگری که ممکن است پیش آید این است که با وجود اینکه برخورد مسلمانان با دولت ایران و پیروز شدن آن ها بر دولت ساسانی یکی از مسائلی بود که عظمت و واقعیت اسلام را در نظر ایرانیان جلوه گر می ساخت و باز با وجود اینکه دولت ساسانی در دوره ی اغتشاش و از هم پاشیدگی خود می برد ولی از نظر نظامی نیرومند بود و باز با وجود اینکه مجاهدین اسلام به رسالت خود اعتقاد داشتند و علی (ع) توصیف می کند. «و حملوا بصائرهم علی اسیافهم» یعنی بینش های روشن خویش را بر دوش شمشیرهای خویش حمل می کردند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۸) ولی با وجود همه این ها چنین جمعیت اندکی نمی توانستند بر ایرانیان پیروز شوند پس علت دیگری داشت. قبل از این سوال نخست باید دانست که چرا اعراب به ایران حمله کردند و انگیزه ی اصلی آنان از حمله به ایران چه بوده است.

دلایل حمله عرب به ایران

تامل در جهات و اسباب فتوحات اعراب نیز از نظر مورخ اهمیت تمام دارد. محرک عمده - ی اعراب در اقدام به این مهاجمان در درجه اول بدون تردید فقر و گرسنگی بود که به سبب نقصان کشاورزی (حتی، ۱۳۶۶، ۱۶) پیش آمده بود و محرک دیگر نیز نشر اسلام و مجاهده در راه دین خدا بود. (بلاذری، ۱۳۶۷، ۳۷۰) مخصوصاً که این کار اعراب را از فکر ارتداد و اختلاف باز می داشت و آن ها را در مقابل خطرهایی که از جنگ ناشی می شد، متحد می کرد و به علاوه جنگ مقدس بود و کشته شدن در آن ثواب شهادت و مژده ی بهشت داشت. (زرین کوب، ۱۳۵۴، ۹۷). مغیره در پیشگاه رستم مساله دعوت به اسلام را مطرح کرد نه مشکلات اقتصادی (طبری، ۱۳۷۵، ۲۴۹) اما در دوره های بعد خصوصاً در دوره ی اموی فاتحان بیشتر به انگیزه کسب غنیمت جنگ می کردند. فرای انگیزه اول اعراب را غنیمت می داند (فرای، ۱۳۶۳، ۷۴) و (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ۷۸) پس مسلمانان با ذکر این دلایل به ایران حمله کردند. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد باید علل اصلی سقوط شاهنشاهی را جستجو کنیم.